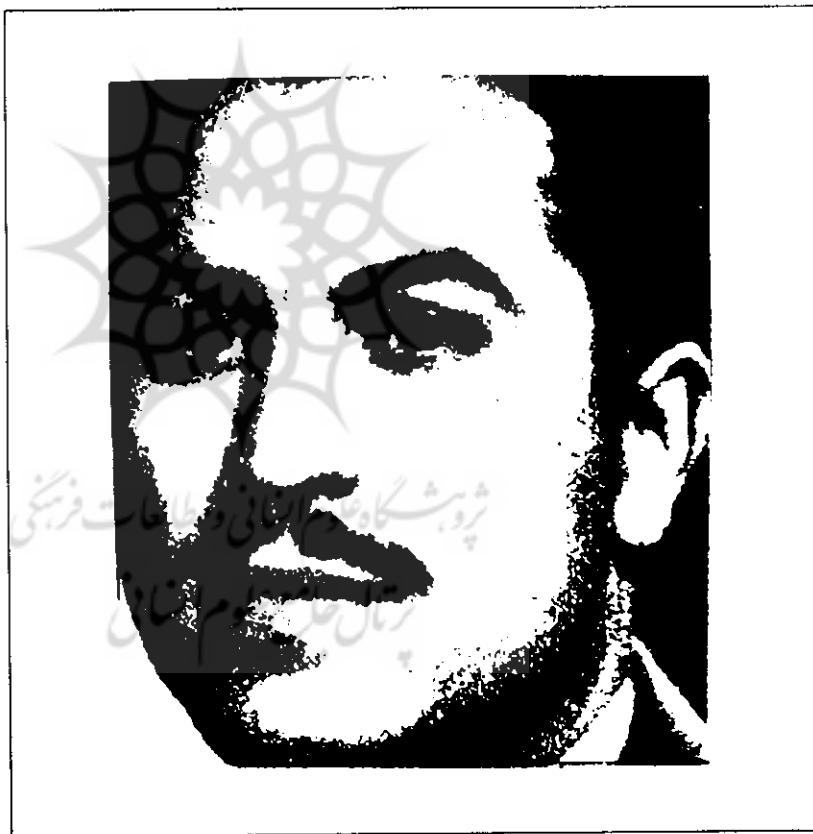


بستان پینه بسته علی (ع) الگو ما ست

از بزرگترین قربانیان تروریسم دهه شصت، می توان از بنیانگذاران مجاهدین نام برد که در کوران یک فتنه خانمانسوز قربانی گشتند، به گونه ای که نام بردن از مجاهدت های آن ها در سال های سیاه خفقان و استبداد از دیدگاه برخی جریان ها جرم و از دیدگاه پاره ای شخصیت ها مایه خجالت و شرمساری بود که اگر چنین رویه ای منصفانه باشد، انحراف پاره ای از پیروان انبیا و مصلحین را نیز می باید به پای آن بزرگواران نوشت. اگر هر جریانی در بستر زمانی و مکانی خود تحلیل نشود، چه بسا با یک دیدگاه مطلق نگر زحمات و دستاوردهای آن ها نیز نادیده گرفته شود و رویه رندانه ای باب گردد که در آن تنها عافیت طلبان تبرئه شوند.

تجربه بیست ساله نظام بعد از انقلاب نشان می دهد که حتی در شرایط علنی و با وجود برخورداری بودن از درآمدهای هنگفت و داشتن امکانات فراوان نمی توان مانع از پدید آمدن بن بست هایی شد که از درون هر یک جریان های متفاوتی رشد می کند، تا چه رسد به جمع محدودی از جوانان بدون سازوبری آن هم در فضای سنگین و خفقان آوری که بسیاری از بزرگان قوم را به سکوت وادار کرده بود.

هر ساله، چهارم خرداد به سکوت می گذرد، گویا همگان پذیرفته ایم که یادمان عزیزانی چون محمد حنیف نژاد، سعید محسن و علی اصغر بدیع زادگان با مصلحت دوران ما سازگار نیست و جای مرحوم رجایی بسیار خالی می نماید که چون سال های اول انقلاب از این مظلومان قبل و بعد از انقلاب یادی کند. می گویند آن گاه که فرشته مرگ ظاهر شود، آن چه در درون است، بر زبان جاری می شود و شاید از این رو بتوان آخرین کلام هایی که این عزیزان بر زبان راندند حجتی بر صدق نیت آن ها دانست. چه آن هنگام که شهید سعید محسن طی آخرین مدافعات، شجاعانه رژیم منحوس استبدادی را امواج حملات خود قرار داد و چه آن زمان که مرحوم حنیف نژاد با صدایی رسا خطاب به جوخه تیرباران گفت: من، محمد حنیف نژاد، به شما دستور آتش می دهم، الله اکبر.



گزیده ای از مدافعات زنده یاد سعید محسن
از بنیان گذاران سازمان مجاهدین

هر چه بیشتر در انهدام ما می‌کوشید بیشتر در باتلاقی که خود به دست خود و برای خویش فراهم آورده‌اید فرو می‌روید و امروز هم صحنه کوچکی از این بر خورد را در گوشه‌ای از سرزمین خود در این دادگاه شاهدید. دادگاهی که رییس و دادیاران و دادستان و منشی وظیفه‌ای جز امضای حکمی قبلاً تعیین شده را ندارند تا در ازای آن ریزه‌خوار سیستمی باشند که از خون ملتی ستم‌دیده می‌نوشد و از مغز جوانان برای ضحاکان زمان غذای دلخواه تهیه می‌نماید و نیز برای آنان که از آن سوی اقیانوس‌ها دندان طمع خود را بر هستی ملت ما فرو برده و ناوگان‌های غول پیکرشان هر لحظه هزاران تن مواد خام ما را که دسترنج توده‌هاست به یغما می‌برند...

حرکت تاریخ عالی‌ترین گواه ماست. بدیهی است که چنین محیطی نه دادگاه است تا من به صلاحیت آن نظر دهم و نه در چنین محیطی هدف من دفاع است، چه تمام اتهامات شما برای ما مایه افتخار است... شما ما را به دلیل شرارت در چنین دادگاهی محاکمه می‌نمایید. شما ما را اشرار می‌نامید. برای یک شرور چیزی جز منافع مادی مطرح نیست و بدیهی است که در سیستم شما دزدان و غارتگران و آنانی که دست‌هایشان به خون ملت آغشته است و دسترنج بیوه زنان و دختر بچگان قالی‌باف و ثمره کار کارگران و دهقانان را برای عیاشی‌ها و خوشگذرانی‌های خود به یغما می‌برند و در مقام‌های عدالت و حکومت نشسته‌اند، کلیه جوانان پاک و از جان گذشته را باید اشرار نامید... باید در دادگاه نظامی در بسته محاکمه شوند ولی شما و طرفداران سیستم شما یعنی دزدان اموال و ناموس مردم، آن‌ها که به اتکای اربابان و سرمایه‌داران خارجی و به پشتیبانی آن‌ها مردم را می‌چاپند و جوانان مردم را زیر شکنجه‌های جلادانه خود می‌کشند شرافتمندند... ما دلیل پاکی و شرافتمندی شما را در قتل عام نیمه خرداد ۴۲ و قبل از آن بر سر کورمپزخانه‌ها و همین اواخر در جاده کرج در کشتار دسته‌جمعی کارگران جهان چیت دیدیم...

... *اِنَّ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَانِهِمْ ظُلْمًا وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰی نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ* (قرآن - سوره حج - آیه ۳۹)
به آن‌ها که ستم دیدمانند اجازه و فرمان پیکار داده شد و خدا بر یاری آن‌ها همانا تواناتر است.
ما قبلاً نشان دادیم که شما اشرارید و ستمگر و دزدان ناموس و اموال مردم و به دلیل تسلطان دسترنج کارگر، دهقان و طبقات زحمتکش اجتماع را به چپاول و تاراج می‌برید. سیستم شما و سیستم پادشاهی‌تان پوسیده‌ترین سیستم‌هاست که عمر تاریخی آن به سر آمده است. در چنین شرایطی، ملتی در نهایت فشار و سختی در انتظار طلوع آفتاب خویش است و ارادش را جزم می‌کند تا پایه‌های پوشالی

سلطنت ۲۵۰۰ ساله را واژگون نماید و در سایه عزم آهنینش سیستم مترقی و دموکراتیکی بسازد تا انبوه ملت بدون تبعیض طبقه‌ای بر طبقه دیگر دوران سازندگی خود را شروع کند. فرمان خدا این چنین است. *و نُرِیدُ اٰمِنَ عَلٰی الَّذِیْنَ اسْتَضَعُّوْا فِی الْاَرْضِ وَ نَجْمَلِهِمْ اٰثِمَهٗ وَ نَجْمَلِهِمُ الْوَارِثِیْنَ* (قرآن - سوره قصص آیه ۴) *اراده ما این است که بر آنان که تحت فشار قرار گرفته‌اند منت بگذاریم و آنان را پیشوایان خلق و وارثین واقعی جهان قرار دهیم...*

... ملت ما در حدود ۷۰ سال پیش تحت تأثیر انقلاب‌های روشنفکری جهانی و بیداری ملت و تشدید استبداد دست به انقلاب عظیم مشروطیت زد که هدف‌های آن عبارت بود از:
۱- محو سیستم استبداد
۲- ایجاد سیستم جدید که حقوق و عدالت اجتماعی یکسانی را برای ملت به ارمغان می‌آورد. در سایه اراده آهنین مبارزین مشروطیت و مردان تاریخی بزرگی چون ستارخان و یارانش و به یاری مجاهدین، جنبش در مرحله اول با

به خود گرفت که تا قزوین و بابل سر پیش رفت و با آن که دسایس انگلیس و بقای نیروهای روسیه تزاری ضربه سختی به نهضت زدند ولی تا سال ۱۳۰۰ شکل سازمانی آن که تهدیدی برای بیگانگان و ارتجاع داخلی به‌شمار می‌رفت پابرجا بود و نیز مبارزه دیگری در تهران به پیشوایی مرحوم مدرس در حال عمیق شدن بود. مجموعه این مسایل سبب شد که رضاخان در سال ۱۳۰۴ به پادشاهی برسد ولی پادشاهی که پشتوانه آن دولت بی‌ریب انگلستان در ایران بود و اولین اقدام حکومت جدید سرکوبی جنبش، کشتن و تبعید ملیون بود. مرحوم مدرس، دکتر مصدق، فرخی یزدی و... قربانیان جدیدی برای تجدید و تشدید حاکمیت انگلستان در ایران شدند...

ما فراموش نکرده‌ایم که در جنگ بین‌الملل اول در جنوب، ارتش انگلستان برای عبور از منطقه تنگستان، شدیدترین ضربه را دید. مقاومت‌های چریکی جنوب به هنگام جنگ بین‌الملل اول و مقاومت توده مردم در هجوم ارتش روسیه تزاری به تبریز و ارتش عثمانی به

□ شما ما را اشرار می‌نامید. برای یک شرور چیزی جز منافع مادی مطرح نیست و بدیهی است که در سیستم شما دزدان و غارتگران و آنانی که دست‌هایشان به خون ملت آغشته است و دسترنج بیوه زنان و دختر بچگان قالی‌باف و ثمره کار کارگران و دهقانان را برای عیاشی‌ها و خوشگذرانی‌های خود به یغما می‌برند و در مقام‌های عدالت و حکومت نشسته‌اند، کلیه جوانان پاک و از جان گذشته را باید اشرار نامید

رضاییه و کردستان نشان‌دهنده شجاعت واقعی و مقاومت در روحیه ملت ما بود. ولی نتیجه دیکتاتوری بیست ساله این بود که هیچ کس برای دفاع از سیستم موجود برای خود وظیفه‌ای قابل نبود. شهریور ۲۰ چه بود؟ جنگ تجاوزکارانه فاشیزم آلمان تحول جدیدی بود که توازن قوای امپریالیست‌های آن روز را به هم زد و بالاجبار مهره‌های وابسته به آن‌ها دچار تزلزل شدند. دیکتاتوری ایران نیز پشتوانه واقعی خود را از دست داد و چون پایگاه توده‌ای تداست و به علاوه از نظر امپریالیسم انگلیس و متحدانش در چنین موقعی دیکتاتوری قدیم که ناراضیاتی توده را برانگیخته بود و ممکن بود مواجه با قیام‌های توده‌ای شود و نیز به دلیل روحیه فاشیستی - دیکتاتوری حکومت وقت که در فکر همکاری با

موفقیت کامل مواجه شد و استبداد را مغلوب و قانون اساسی را که نسبت به زمان، قانونی بسیار مترقی بود تثبیت کرد. نتیجه حرکت توده مردم حاکمیت نمایندگان ملت در مجالس اول و دوم بود ارتجاع و استعمار حاکم در برابر چنین موفقیتی موضعگیری جدید نمود. در مراحل بعدی ابتدا از طریق مجالس و سپس با کودتای ۱۲۹۹ تجاوز به مردم شروع شد... در اولین قدم، قانونی که تجلی اراده ملت بود پایمال و سپس دوره استبداد شروع گردید، استبدادی که حتی پسر رضاخان هم تأیید می‌کند...
جنبش خیابانی در تبریز و مقاومت ۷ ساله میرزا کوچک خان جنبش ایران را مرحله به مرحله به عمیق‌تر شدن سوق می‌داد. نهضت جنگل از صورت اولیه خویش شکل یک حکومت انقلابی





فانیزم آلمان بود، او را در یک چشم به هم زدن معزول و سر نخ ارتش قدرتمند شاهنشاهی را شل [کردند] و تخت و تاج بر باد رفت و بالاخره حاکم مطلق را به جزیره موریس فرستادند. توده مردم به علت نارضایتی نه تنها اعتراض نمود، بلکه از این که سیستم خفقان سرپاس مختاری و پزشک احمدی از بین رفته بود احساس خوشحالی می‌کردند. همان معامله‌ای که امپریالیسم مسلط آمریکا امروز با چیانکایچک کرد "فاعتبروا یا اولی الابصار".

...رشد جنبش دموکراتیک ملی بعد از شهریور ۲۰ و مبارزات ۲۲-۲۰ جنبه دفاع از قانون اساسی را داشت که آزادی‌های دموکراتیک را احیا نماید و ضمناً ادای دینی بود برای حفظ و نگهداری آنچه که ملت ایران به بهای خون مجاهدان کسب کرده بود. بزرگترین مدافع این حقوق جناب آقای دکتر محمد مصدق، رهبر ملی ایران بود. دکتر مصدق نیز در مرحله نهایی بزرگترین متجاوزان به قانون را دربار تشخیص داد که وظیفه عمده آن حفظ منافع استثمارگران

واحد ۲۰ درصد از حقوق ارباب و حذف بیگاری‌ها در حالی که جبهه اصلی مبارزه، جبهه مبارزه با امپریالیسم انگلیس بود. ایجاد تعادل در صادرات و واردات برای اولین بار در ۵۰ سال گذشته، اتکا به توازن ارزی بدون نفت به منظور صرف درآمد برای صرفاً عمران، تشویق صادرات و رشد اقتصادی بی‌سابقه واقعی نه آمارهای قلابی و فرمائی. مبادله پایاپای در حالی که فعلاً حتی با کشورهای سوسیالیستی بندرت چنین مبادله‌ای انجام می‌گیرد و با کشورهای امپریالیستی اغلب نسبت آن یک به ده است. آمار مبادلات بهترین نمونه است. واردات از آلمان ۳۴/۷ و صادرات ۳۹ میلیون دلار، - آمریکا ۲۱/۷ میلیون در برابر ۲۴/۲۶ میلیون دلار، انگلیس ۱۶۷/۷ میلیون در برابر ۸۹/۸ میلیون دلار و به‌طور کلی اعتقاد به این تر که جهت تثبیت استقلال سیاسی باید به استقلال اقتصادی متکی بود...

استعمار در آن هنگام نیز دست به توطئه‌هایی برای لوٹ کردن جنبش زد. استعمار

□ رشد جنبش دموکراتیک ملی بعد از شهریور ۲۰ و مبارزات ۲۲-۲۰ جنبه دفاع از قانون اساسی را داشت که آزادی‌های دموکراتیک را احیا نماید و ضمناً ادای دینی بود برای حفظ و نگهداری آنچه که ملت ایران به بهای خون مجاهدان کسب کرده بود.

انگلیس بود. وی به‌عنوان نماینده اول تهران در مجلس ۱۴، دفاع از حقوق ملت ایران را به عهده گرفت. سیاست مبارزه منفی مصدق مترقی‌ترین و پیشرفته‌ترین تر مصدق بود که از ایمان و عشق وی به ملت و میهن الهام می‌گرفت. در تر مصدق قطع نفوذ هر اجنبی مورد نظر بود و به‌طور مرحله‌ای، اعتقاد به از بین بردن کلیه نفوذ خارجی را تحقق می‌بخشید... مصدق در خاورمیانه پیشرو مبارزات ضد امپریالیستی شد و این افتخاری بود که ملت ایران در زمان پیشوایی دکتر مصدق کسب کرد... دوسال حکومت ملت نمره‌های باروری برای ملت داشت. اضافه بر ملی کردن صنایع نفت و قطع نفوذ ایدای خارجی و خلع ید و برچیدن نفوذ سیاسی بزرگترین استعمار حاکم در ایران، ملت به موفقیت‌های سیاسی و اقتصادی دیگری نایل آمد:

شناسایی غاصبین صهیونیستی اسرائیل که پایگاه جدید امپریالیسم و با تفکرات صهیونیستی - امپریالیستی در منطقه بود، پس گرفته شد. تضعیف جبهه فتودالیه به صورت طرح ماده

می‌دانست... "ایدن" نخست‌وزیر وقت انگلیس در خاطرات خود یادآوری می‌نماید که وقتی خبر سقوط مصدق به من رسید، من در کنار دریای مدیترانه مشغول استراحت بودم و تنها آن شب بود که من بعد از مدتی خواب راحتی کردم. بله، کودتای ۲۸ مرداد برای امپریالیسم آمریکا و انگلیس بزرگترین موفقیت بود که بدست‌یاری یک عده ارادل و اوباش تحق پذیرفت. کودتایی که رکن اصلی آن خواهر شاه و هریمن و عوامل اجرایش زاهدی و شعبان بی‌مخ‌ها بودند و به‌عنوان ضربه اولیه فقط یک فقره چک ده‌میلیون دلاری از طرف سفارت آمریکا در ایران پخش گردید تا منافع چندمیلیارد دلاری امروزی را عاید ایالات متحده نماید. نتیجه خدمات حکومت کودتا بشرح زیر است که منصفانه است با نتیجه دوسال حکومت مصدق مورد مقایسه قرار گیرد:

- عقد قرارداد کنسرسیوم که علاوه بر تأمین منافع انگلستان پای کارتل‌های نفتی آمریکایی و سایر کشورهای غربی را نیز به ایران باز کرد و ما امروز شاهد غارت و چپاول آن‌ها هستیم.

- ورود به پیمان تجاوزگر بغداد و سپس سنتو، صرف درآمد ملی برای خرید اسلحه و مسلح کردن ارتش به سلاح تا بن دندان که ما در کنارش ۱۵ خرداد خونین را دیده‌ایم.

- تأسیس ساواک و انگیزیسون عقاید که عمل شکنجه جوانان ما را به عهده گرفته است.

- گرفتن وام‌های مداوم از غرب و مقروض کردن ملت به کشورهای غربی با ربح‌های کمرشکن.

- تجاوز به حقوق ملت و تبدیل مجلس فرمایشی.

- تشدید فشار و خفقان و کشت و کشتار در کوره پزخانه‌ها.

- حمله به دانشگاه در اول بهمن ۱۳۴۰

- حمله به مدرسه فیضیه قم در دوم فروردین ماه ۴۲

- دستگیری مرجع تقلید حضرت آیت الله خمینی.

- کشتار خونین ۱۵ خرداد.

- تصویب مصونیت قضایی مشاوران آمریکایی (کابیتولاسیون).

- تبعید آیت الله خمینی به خارج کشور.

- سلب آزادی و دستگیری‌های مکرر و تشکیل دادگاه‌های فرمایشی و اعدام و زندانی ساختن بسیاری از مبارزین کشور.

- باز گذاشتن دست سرمایه‌داران و چپاولگران خارجی و از جمله صهیونیست‌ها جهت غارت و بهره‌کشی از نیروی انسانی ملت...

... من برای نمونه از کارهای شما فقط جریان نفت را به‌طور خلاصه بررسی می‌کنم:

می‌خواست مصدق را در افکار عمومی شکست دهد و گرنه ترور مصدق مسأله سختی نبود. جریانات ۲۲ تیر و ۳۰ تیر سال ۳۱ و نظایر آن نمودار توطئه‌های استعمار انگلیس بود. از ۳۰ تیر سال ۳۱ به بعد کلیه حربه‌های دشمن به‌دلیل پشتیبانی توده بلااثر ماند و به‌خصوص بعد از آن که مصدق تصمیم به ملی کردن ارتش گرفت، توطئه‌های بعدی یکی بعد از دیگری تکرار شد. قتل افشارطوس رییس شهرداری دکتر مصدق و قضیه ۹ اسفند و کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ هر یک جریاناتی برای سقوط حکومت ملی مصدق بود. مصدق در مرحله بعد که ضرورت تأیید ملی را احساس می‌کرد اقدام به رفراندوم کرد که نتیجه آن به‌دلیل روشن بودن هدف جنبش صددرصد به نفع مصدق بود و توده مردم به اتفاق آرا از مصدق پشتیبانی کردند. رفراندوم آخرین نقشه امپریالیسم را نقش بر آب کرد

وحدت امپریالیسم آمریکا و انگلیس در کودتای ۳۲ کاملاً روشن‌تر ملاحظه شد. آندره تالی این موفقیت را مرهون وحدت دو سیاست

شاه در مسافرت خود به آمریکا در پاییز سال ۴۸ گفت: شما به ما سالی یک میلیارد دلار بدهید، ما قول می‌دهیم آخرین سنت آن را از بازارهای شما کالا خریداری نمایم، ولی با تمام تلاش‌ها نتوانست در سال ۴۸ به مقدار یک میلیارد دلار دست یابد.

مبارزه با کارت‌تل‌های نفتی برای افزایش قیمت نبود، بلکه ایران در مرحله اول پول بیشتر می‌خواست. حال کنسرسیوم هر چه می‌خواهد استخراج نماید، استخراج کند! مبلغ یک میلیارد دلار مهم است نه مسؤولیت در قبال نسل‌های آینده و ملت که باید از ذخایر کشورش به بهترین وضعی استفاده نماید! درآمد در سال ۴۸ از نفت با تمام فعالیت‌ها و تبلیغات‌ها اندکی از ۹۰۰ میلیون دلار تجاوز کرد، در حالی که ایران از هر تن نفت فقط ۵/۳۸ دلار درآمد داشت. یعنی ۱۵۷ میلیون تن تولید در قبال حدود ۹۰۰ میلیون دلار. در حالی که الجزایر در همان سال با چهل میلیون تن تولید در حدود یک میلیارد دلار درآمد داشت، در مقایسه ایران از هر تن نفت یک چهارم قیمت الجزایر را به دست می‌آورد. در سال ۴۹ دوباره همان شور و غوغا بود و تقاضای هر چه بیشتر وجه نقد، ولی باز مقدار درآمد ایران طبق آن چه که در برنامه پنج‌ساله برآورد شده بود نرسید. به علاوه چون ایران ۳ اسکادران هواپیمای فانتوم خریداری می‌کرد لذا عملاً برنامه پنج‌ساله هم یکسال تعطیل شد ...

طبق گزارش سالانه بانک مرکزی وام خارجی در سال ۴۸ مبلغ ۵۲۲ میلیون دلار بوده، یعنی یک سوم ارزش موجود را از طریق وام‌ها تأمین نموده بودید. آیا این خود بهترین دلیل بر ورشکستگی اقتصادی نیست؟ البته این مبلغ علاوه بر وام‌های سری است که صرف خرید اسلحه می‌گردد که فقط یک نمونه کوچک آن وام ۲۰۰ میلیون دلاری از آمریکا برای خرید اسلحه بود، آن هم با آن ربح سنگین و آن مدت کوتاه که تازه در برابر آن آزادی و استقلال ملت ایران را هم به گروگان گذاشتید... آری کارنامه سلطنت پهلوی را این چنین ارزیابی می‌کنیم و برنامه مشعشع انقلاب سفید هم که احتیاجی به بحث ندارد... اصلاحات ارضی جز یک کار ضدانگیزه‌های چیزی نبود و لذا موفقیتی نیز به همراه نداشت...

از نتایج پرثمر دیگر اصلاحات ارضی خشکیدن قنات‌ها است. طبق آمار مشخصات اقتصادی از ۲۰۰۰۰ قنات سرشماری شده در سال ۳۶، ۱۲۰۰۰ عدد آن خشکیده‌اند و با توجه به اهمیت آب در کشاورزی ایران می‌توان نتیجه این فاجعه را ارزیابی کرد و به علاوه با تشدید استثمار شهر از ده، دهقانان بیشتر به افلاس و ورشکستگی افتاده‌اند و در این زمینه نیز بررسی وضع شرکت تهال اسرائیل و عمران دشت قزوین

نمونه بسیار خوبی است... دشت قزوین با ۴۵۰ هزار هکتار زمین زراعتی در اختیار شرکت اسرائیلی قرار گرفت ولی تمام این‌ها در مجموع حاصلی جز حقوق‌های گزاف ۱۵۰۰ تا ۵۰۰۰ دلاری برای تکنیسین‌های اسرائیلی و ۲۰۰۰۰ دلاری برای رییس شرکت و نتیجه‌ای برای زارعین غیر از مقروض کردن آن‌ها نداشت. گزارش مخفی سازمان عمران نشان داد که عمران دشت قزوین نتوانسته است سوده باشد.

در مورد سیاست مستقل ملی‌تان من فقط به یک نمونه اشاره می‌نمایم. در جلسه شورای اقتصاد در پیش شاه (جلد اول گزارش حدود صفحه ۱۶) وزیر آبادانی و مسکن که امروز رییس دانشگاه تهران است در مورد خانه‌های کوی کن صحبت می‌کند. شاه دستور می‌دهد از این خانه‌ها در اختیار افسران ارتش قرار دهید. در جلسه بعد وزیر آبادانی و مسکن می‌گوید در مورد خانه‌های کوی کن با مشاوران آمریکایی صحبت شد، اعلام کردند ایرادی ندارد، افسران می‌توانند از این خانه‌ها استفاده نمایند. سیاست مستقل ملی یعنی این که حتی دستور شاه که ظاهراً فرمانده بزرگ ارتشیان محسوب می‌شود برای اجرا باید به امضای مشاوران آمریکایی رسیده باشد. البته همان مشاورانی که قبلاً اشاره رفت و برای مصونیت قضایی آن‌ها آیت الله خمینی رهبر ملی و مذهبی ملت ایران را که مدافع منافع توده‌ها بود به‌طور غیرقانونی تبعید کردند و سپس چند سال بعد به‌خاطر سرمایه‌داریش آیت الله سعیدی را به دلیل اعتراض به سرمایه‌گذاری آن‌ها و چپاول ملت ایران در زیر شکنجه شهید کردند. واقعاً اگر در مستقل بودن سیاست رژیم شاه کسی شک کند در ملی بودنش که تردیدی نمی‌شود کرد! هم مستقل است و هم ملی! دلیلش جنایت‌های بی‌حساب رژیم است...

سیستم حکومتی شما سیستمی پوسیده است که عمر تاریخی آن نیز سال‌هاست سر آمده. مدافعان این سیستم برای زنده نگهداشتن آن به جای عملیات عمرانی و تولیدی مجبورند ۲۰ میلیارد فرانک پول برای یک جشن صرف کنند تا دفاعی باشد از یک متد کهنه و قدیمی. از سیستم پادشاهی امروز فقط بدلیل پادشاه داشتن زنبورعسل و مورچه‌ها و ماهی‌ها می‌توان دفاع کرد وگرنه هیچ عقل سلیمی آن را نمی‌پذیرد. شما از کجا می‌دانید پسر پادشاه هم فرد عاقلی است که تبعیت و اطاعت از او را ضروری می‌دانید؟ بدین جهت دفاع از سلطنت موروثی، ارتجاعی و دفاعی پوسیده است. مواد ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون شما از همین دیدگاه از نظر ما مطرود است. ملت ایران ملزم نیست از یک فکر ارتجاعی تبعیت نماید. این قوانین اصولاً معلول دوران دیکتاتوری است و برای ملت مورد قبول نمی‌باشد. نفس تکامل ایجاب می‌کند که

هر چه پوسیده است دورانداخته می‌شود... ما نیز برای دفاع از جان و مال و ناموس مردم اسلحه به‌دست گرفته‌ایم. یک عده تحصیلکرده و روشنفکر نه سادسیم دارند و نه دزد سر گردنه‌اند که اسلحه به‌دست بگیرند. مگر برداران سیاه‌نکل ما بهترین و پاکترین جوانان جامعه نبودند. شما با تمام تلاش‌تان نتوانستید در بین صد و هفتاد نفر گروه ما، فردی که از نظر اخلاقی و انسانی دارای عالی‌ترین مزایای اخلاقی نباشد پیدا کنید....

... برخلاف سیستم‌های شما! که فرماندهان‌تان ثروت‌ها و دستاوردهای ملت را به یغما می‌برند و برای یک شبشینی و جشن میلیاردها تومان درآمد ملی را مصرف می‌نمایند و نه گرمای تابستان را می‌شناسند و نه سرمای زمستان و دستشان جز کلنگ طلائی افتتاح ساختمان چندین طبقه و قیچی نوار بری، ابزار تولیدی را لمس نکرده است، در سیستم مورد نظر ما به پیروی از مدل‌ها و نمونه‌های تاریخی مان «علی» را می‌بینیم که با دست پینه بسته‌اش برای ارتزاق خود به «غرس» نخل می‌پردازد، به‌دست خود چاه می‌کند و درخت آبیاری می‌نماید. یعنی بالاترین فرد جامعه در کار تولیدی نظیر ساده‌ترینشان فعالیت می‌کند و در عین حال از این که در اقصی نقطه حکومتش مردی گرسنه بخوابد آرام و قرار ندارد یا به دلیل تجاوز بسرای یک زن ذمی که در تحت مسؤولیت حکومت علی است آن‌سان دگرگون می‌شود که برای خود مرگ را آرزو می‌کند و می‌گوید: «فلو ان امرء مسلماً مات من بعد هذا اسفا ما کان به ملوما بل کان به عندی جیدراً...»

شما خواهید (گفت) علی در تاریخ تنها بود و شما که نمی‌توانید علی باشید؛ بله، این چنین است. شخصیت علی در تاریخ بشری نادر است ولی فکر علی و سیستم علی یعنی قیام بر علیه ظلم و امحای آن و ایجاد وحدت و برابری، برای بشر امروز نه‌تنها بیگانه نیست، بلکه نهایت آمال و آرزوی او است. جهان امروز در اقصا نقاطش تحقق افکار بلند علی را نوید می‌دهد... ما بر قله تاریخ اندیشه علی را محقق می‌بینیم. آری، ما برای نیل به چنین هدفی قیام کرده‌ایم.

قیام کرده‌ایم تا جهانی بسازیم تا هرگونه بهره‌کشی انسان از انسان را نابود سازد. این هدف مکان و زمان نمی‌شناسد... ما نبردی سهمگین در پیش رو داریم. نبردی درازمدت و افتخار می‌کنیم که با نثار جان بی‌ارزشمان سربازی ساده باشیم که سهمی بس کوچک از این وظیفه مهم را به عهده گرفته‌ایم و با خون ناچیزمان جوانه انقلاب را بارور ساخته‌ایم.

«فاما الزبد فینهب جفاء و اما ما یفیع الناس فیمکت فی الارض» (قرآن - سوره رعد آیه ۱۷)
کف روی آب از میان می‌رود ولی آن چه که به نفع مردم است در زمین باقی می‌ماند.



جشم مردان ایران شماره ۱۹